

هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردممدار (آزادیمدار)^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۹/۱۵

مصطفی بهزادفر* - پیام محمودی کردستانی**

چکیده

محوریت "انسان" در طراحی شهری، از بدو ظهور حرفه - دانش طراحی شهری مدنظر بوده است. با نگاهی به دیدگاه‌های نظریه پردازان این حوزه معرفتی، گرایش به انسان و آزادی‌های منتسب به او در بیشتر اظهار نظرها قابل ردیابی است. از این رو آنچه در این نوشتار به عنوان فضای شهری مردممدار (آزادیمدار)^۲ مطرح است، نخ تسبیح گرایش‌های نوعا پراکنده انسانمدارانه، مردم‌دوستانه و آزادی‌خواهانه طراحی شهری از نگاه اندیشمندان این رشته به شمار می‌رود. در یک کلام، طراحی فضاهای شهری مردممدار مفهوم‌واره‌ای^۳ معطوف به "طراحی برای همگان" می‌باشد که حمایت از حقوق استفاده‌کنندگان، ایجاد دسترسی، آزادی عمل و ... را دنبال می‌کند.

مع‌هذا، به ندرت از حوزه هم‌پیوندی هنجارهای انسانمدارانه و آزادیمدارانه جوامع با قالب‌های حرفه‌ای، مفهومی و فرایندگاری طراحی شهری سخن گفته شده است. آگاهی از شاخص‌ها یا هنجارها و زیرهنجارهایی که موجودیت آن‌ها در بار محیطی فضاهای شهری (همگانی) مبین مردممدار بودن آن‌ها باشد، مقدمه‌ای است که می‌تواند چگونگی ارتباط طراحی شهری با مردممداری را نشان دهد. محیط‌های پاسخ‌دهنده واجد هنجارهایی هستند که شناخت آن‌ها از نگاه آزادیمداری یا مردممداری می‌تواند هنجارهای مذکور را بازشناسایی نماید.

این مقاله در راستای دست‌یابی به هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری مردممدار، روش‌شناسی خاصی را دنبال می‌نماید. بدو، طی مطالعات جداگانه‌ای در حوزه دموکراسی (مردممداری) و طراحی شهری، ویژگی‌های عمومی دموکراسی و هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط از نگاه نظری و مطالعات پروژه‌های طراحی شهری موردی معلوم گردید. سپس، با تطبیق و قیاس آن‌ها با یکدیگر، دسته‌بندی‌های جداگانه‌ای از هنجارهای کیفی محیطی در قالب ویژگی‌های مردممداری به‌دست می‌آید. یافته‌های اخیر زمینه را برای یافتن نقاط اشتراک هنجارهای محیطی و استنتاج "هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری مردممدار" مهیا می‌نماید. در انتها هنجارهای کیفی مذکور در راستای فهم قابلیت‌های آن برای طراحی، به تفکیک، خلاصه‌وار، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی:

دموکراسی، مردممداری، آزادیمداری، فضای شهری مردممدار، هنجارهای کیفی، پاسخ‌دهندگی.

مقدمه

فضاهای شهری امروز غالب شهرها، با شهروندان نامهربان هستند. این فضاها غالباً در چنگال ماشین احاطه شده و به حضور آزاد انسان‌ها در خود بی‌اعتنا هستند. فضاهای شهری به گذرگاه‌هایی بدل گشته‌اند که فقط امکان رفت و آمد افراد از محل کار به خوابگاه و خانه را فراهم می‌کنند. حضور در این فضاها با هراس برخورد با اتومبیل همراه است. شبگردی و پرسه‌زنی شبانه در شهر، در ترکیب با نگرانی نسبت به ایمنی و امنیت معنی‌دار می‌شود. در چنین شرایطی، کودکان بازی در کوی و برزن را با بازی‌هایی از جنس صفر و یک عوض کرده‌اند. معلولین جسمی - حرکتی، فضاهای همگانی شهر را فراموش کرده‌اند و در گوشه آپارتمان‌های چند ده متری خود، ناامیدی و افسردگی را به نظاره نشسته‌اند. بعضاً سالخوردگان، چون مجسمه‌هایی سنگی در وسط فلکه‌هایی با نام میدان! نشسته و فواره نیمه‌جان حوضچه‌ها را می‌نگرند. دختران و زنان، برای رفتن به بیرون از خانه در انتظار همراهی پدران و همسران خود مانده‌اند و این در حالی است که کم‌تر از یک قرن پیشتر، داستان گونه‌ای دیگر بود. فضای شهر با شهروندانش زنده بود و می‌بایید. حضور افراد از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان در فضاهای شهری جنب و جوش و طراوت به همراه می‌آورد. راه‌بندان و سر و صدا و دود و دم، بی‌معنی بود؛ و در یک کلام، مردم "آسوده و بی‌دغدغه" در شهر می‌زیستند.

با این پیش‌زمینه، این مقاله تلاش می‌کند با استفاده از مفاهیم دموکراسی و آمیختن آن با اصول طراحی فضاهای شهری، زمینه و امکان حضور، حق انتخاب، تعامل چهره‌به‌چهره، گپ و گفتگو، حرکت آزادانه افراد و ... را در فضای شهری فراهم آورده و در راستای خلق محیطی دموکراتیک با محوریت انسان گامی را بردارد.

این گفتار در پی شناخت هنجارهایی است که جاری شدن آن در فضاهای همگانی، کیفیت محیطی آن‌ها را آزادی‌مدار (دموکراتیک)، انسان‌مدار، مردم‌مدار^۴ و مردم‌دوست^۵ یا شهروندمدار نماید. پژوهشگران در گفتار اخیر در جستجوی پاسخگویی به این پرسش هستند که "جاری ساختن کدام هنجارها یا زیرهنجارهای کیفی در محیط فضاهای همگانی شهری آن‌ها را به سوی آزادی‌مدار شدن، انسان‌مدار شدن و مردم‌دوست شدن یا شهروندمدار شدن سوق می‌دهد؟" برای پاسخگویی به این پرسش می‌باید آزادی‌مداری درباره مفهومی متداول آن که دموکراسی نامیده می‌شود بازشناسی شده و ضمن بازشناسی هنجارهای کیفی لحاظ شده در طراحی شهری، چگونگی هم‌پیوندی آن برای به بار نشستن فضای شهری آزادی‌مدار چارچوب‌گذاری شود.

پژوهش پیش رو در سه بخش مجزای «تعریف، مفهوم و ویژگی‌های آزادی‌مداری (دموکراسی)»، «مفاهیم و هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری» و «مفاهیم و هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار»، شکل‌بندی شده است. در بخش نخست، آن‌چه در حوزه دموکراسی و در چارچوب موضوعی مقاله می‌گنجد، مستقل از نگاه شهرسازی و صرفاً با تأکید بر مفهوم دموکراسی مورد پژوهش قرار گرفته است. در بخش دوم، آن‌چه به شهرسازی و طراحی فضاهای شهری مربوط است، جدای از رویکرد آزادی‌مداری (دموکراتیک) مطالعه گردیده است. علت این جدایی‌گزینی، دستیابی به تعاریف، هنجارها و ویژگی‌های هر یک از دو عرصه مطالعاتی مذکور، خارج از هرگونه انگاره تعمیمی می‌باشد. در همین راستا، مفهوم‌گزینه دو بخش اول از گرایش‌های جانبی، در کنار هم قرار گرفته و با قیاس، تطبیق و تلفیق آن‌ها در بخش سوم پژوهش، چارچوب مفهومی "فضاهای شهری آزادی‌مدار" و هنجارهای کیفی مربوط به آن‌ها استنتاج می‌گردد.

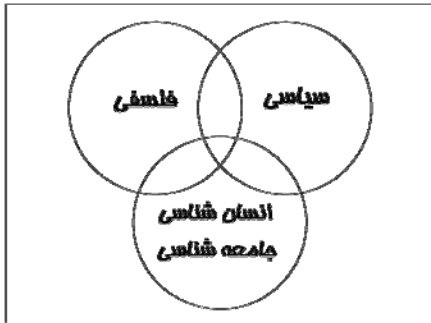
۱. تعریف، مفهوم و ویژگی‌های دموکراسی (آزادی‌مداری)

برای رسیدن به چارچوب مفهوم گزینه‌ای آزادی‌مداری^۶ با نگاه طراحی شهری و محوریت فضای شهری، ابتدا واژه متداول دموکراسی یا دموکراتیک با تکیه بر نظم و انسجامی که در اندیشه‌های عام جوامع برای تبیین این واژه مقبولیت بیشتری دارند بررسی شد. در حین بررسی از واژه دموکراسی استفاده شده است ولی در انتها از آزادی‌مداری استفاده شده است که در هنگام تحلیل تلفیقی، تبادر ذهنی خواننده را از تلقی عمومی نسبت به دموکراسی جدا نماید.

دموکراسی به عنوان مفهومی پیچیده، مشمول و در عین حال قابل فهم، عرصه‌های بی‌شماری از گرایش‌های فکری بشر را پوشش می‌دهد. به همین علت، تعریف دقیق این مفهوم امری غیر ممکن می‌نماید. لذا تعریف آن در سمت و سویی

که نیازمندی به آن احساس می‌شود، مستلزم تهدید و تعریف چارچوبی است که به واسطه آن بتوان به شناخت و تعریف مفهوم مورد نظر دست یافت.

نمودار ۱: نگاه به دموکراسی از سه منظر



از نگاهی عام و کلی‌نگر، دموکراسی از سه منظر «انسان‌شناسی»، «جامعه‌شناسی»، «سیاسی» و «فلسفی» قابل طرح است. لذا جهت دستیابی به تعریفی از آزادی‌مداری که یاری‌رسان سمت و سوی مقاله حاضر باشد، ناگزیر در محدوده گرایش‌های فوق به بررسی مفهوم دموکراسی پرداخته شده است. اما این به معنای قایل بودن به تفکیک مفهوم دموکراسی در چارچوب علوم فوق نیست و هم‌چنان که در ادامه می‌آید، آمیختگی و تاثیر و تاثر گرایش‌های فوق در تعاریف، مفاهیم و ویژگی‌های دموکراسی به روشنی قابل درک است نمودار شماره (۱).

این جداسازی تنها به دلیل شناخت هر چه بهتر مفهوم دموکراسی در عرصه معرفت‌هایی صورت می‌گیرد که بیشتر از سایر معرفت‌ها به آن‌ها پرداخته شده است. در انتها، آن‌چه به عنوان تعاریف، ویژگی‌ها و مفاهیم دموکراسی در عرصه‌های معرفتی سه‌گانه مذکور استنتاج می‌شود، در قالب مفهوم واحد با عنوان آزادی‌مداری، تعریف شده و ویژگی‌های آن از نگاه و سمت و سوی دل‌مشغولی‌های مقاله حاضر، ارائه می‌گردد.

۱-۱- دموکراسی از منظر انسان‌شناسی - جامعه‌شناسی

دموکراسی از منظر انسان‌شناسی - جامعه‌شناسی، با تکیه بر زمینه‌ای شکل می‌گیرد که به موجب آن؛ اجتماعی از انسان‌ها با خصوصیات متنوعی از قبیل: زبان، اندیشه، قابلیت، استعداد و شیوه زیستن را به رسمیت شناخته و تفاوت میان افراد را ناشی از تفاوت فرهنگ و باور آنان می‌داند. در این مفهوم، فرد به عنوان موجودی انتخابگر شناخته می‌شود و به برابری حقوق و حفظ سعادت فردی او در راستای سعادت و حقوق جمعی تاکید می‌گردد (دورتیه، ۱۳۸۲: ۴۸-۳۷). همچنین حفظ هویت مستقل فردی و اجتماعی در برابر هویت‌هایی که از بالا بر انسان تحمیل می‌گردد، جایگاه ویژه‌ای دارد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۱). در چنین مفهومی، مرزهای طبقات اجتماعی، مرزهایی نرم و منعطف می‌باشند و اکثریت تعلق‌های فردی به گروه‌ها و دسته‌های مختلف و گاه متضاد، امری طبیعی انگاشته می‌شود (دورتیه، ۱۳۸۲: ۲۷۵). اما از سوی دیگر، در راستای تضمین نظم اجتماعی در برابر خشونت‌های خصوصی و حفظ حریم‌ها، بهره‌مندی گروهی از افراد (دولت) از قدرت، الزام و استیلا بر اساس قانون، مشروع شناخته می‌شود (رضایی، ۱۳۷۷: ۲۵).

در جامعه‌ای که چنین مفهومی شکل عملی به خود بگیرد، گفتمان و مشارکت افراد (حبیبی، ۱۳۷۹: ۲۹) به حد اعلای خود رسیده و همین ویژگی، زمینه دستیابی به سطح بالاتری از دموکراسی را فراهم می‌آورد. بر این اساس، دموکراسی از منظر انسان‌شناسی - جامعه‌شناسی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود:

«دموکراسی» عبارت است از فراهم آمدن زمینه و موقعیت برابر زیستن گروهی از افراد، با وجود تمام تفاوت‌های فردی موجود می‌باشد. به گونه‌ای که حقوق فردی و حریم‌های شخصی آنان در چارچوب حقوق و حریم‌های جمعی حفظ گردیده و بسترهای لازم جهت مشارکت، گفتگو، بحث و جدل میان آنان فراهم گردد.

۱-۲- دموکراسی از منظر سیاسی

دموکراسی سیاسی بیش از هرچیز به عدم تمرکز قدرت در حکومت‌ها تاکید دارد و تقسیم و دست به دست شدن مسالمت‌آمیز قدرت میان گروه‌ها را به عنوان مانعی در مقابل گرایش جوامع به دیکتاتوری پیشنهاد می‌کند. در این معنی، دموکراسی هدفی در خود نیست، بلکه عاملی جهت تامین حداکثر آزادی فردی، مشارکت فعال بیشترین شمار ممکن شهروندان در حکومت و به طور کلی آن‌چه به عنوان حق همگانی برای شرکت در حیات جمعی مطرح است، می‌باشد (عالم، ۱۳۸۷: ۲۹۶-۲۹۵). بر این اساس، دموکراسی از منظر سیاسی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

دموکراسی عبارتست از برقراری اصل آزادی اندیشه در جامعه و ایجاد زمینه‌ای جهت ابراز عقاید گروه‌های مخالف، به واسطه آزادی رسانه (مطبوعات، رادیو، تلویزیون و...) و جلوگیری از سانسور از سوی دستگاه حکومتی می‌باشد. و

همچنین تامین برابری، آزادی‌های فردی، امکانات مطلوب زندگی و حفظ ارزش‌ها در راستای ایجاد زندگی خوب و مرفه برای بیشترین شمار ممکن افراد در چارچوب نظم و قانون مورد تایید اکثریت است.

۳-۱- دموکراسی از منظر فلسفی

هم‌پوندی دموکراسی و فلسفه را می‌توان در بحث اکثریت عقاید جستجو کرد. هم دموکراسی و هم فلسفه عدم توافق عامه مردم را در سطوح مختلف به رسمیت شناخته و آن را نتیجه طبیعی اندیشیدن آدمی می‌انگارند. بنابراین پذیرفتن این اکثریت را تنها راه حل عقلانی زندگی انسان معرفی می‌کنند (رورتی، ۱۳۸۳). اما پذیرفتن این تلون رای در چارچوب فلسفه دموکراسی، مبتنی بر اصول سه‌گانه انسان، آزادی و برابری است. در این معنی، دموکراسی از آن انسانی منتقد و آزاد از علقه‌های آسمانی، تقدیس و مقدسات رایج است که در بستری فراهم و مهیا از فرصت‌های برابر، تنها با یک قید و آن هم عدم تعدی به حقوق دیگری، به زندگی می‌پردازد (پوپر، ۱۳۶۴).

آنچه در اصل دموکراسی و درون مایه‌های اولیه شکل‌گیری آن مطرح است، تلاش اندیشمندان و طبقه متفکر جامعه برای ایجاد و نهادینه ساختن اصول سه‌گانه مذکور در جوامع انسانی است. اما گویی همواره و در هر شکلی از دموکراسی، گروهی از افراد مورد ظلم و نابرابری واقع می‌شوند. به تعبیر «ویل دورانت»، با ورود گروهی به دایره دموکراسی، گروهی دیگر از دایره خارج می‌شوند (دورانت، ۱۳۸۴: ۳۳۰). گویی تلاش برای دستیابی به آزادی و برابری و یا به زبان دیگر دموکراسی آرمانی، یک جریان مستمر در تاریخ بشر است. البته، رمز ادامه حیات جنبش‌های تفکری آزادیخواه در جوامع، نیل به این مقصود دست نیافتنی است، که اگر حاصل مورد نظر مطلوب آید، تلاش و حرکت به سوی آن بی‌معنی و منتفی خواهد بود.

نظرات اندیشمندان معاصر در باب دموکراسی، با تمام تفاوت و افتراق در زمینه‌های مختلف، در قبول یک عامل موثر در ایجاد و حفظ دموکراسی، اشتراک معنی دارند و آن عامل چیزی جز نقش مردم (انسان) در فرآیند دموکراسی نیست. هرچند نوع و شیوه نقش و مشارکت از نظر آنان متفاوت و گاهی متضاد است، اما در اعتقاد به تاثیرگذاری این عامل در دموکراسی همگی هم‌داستان‌اند. بر این اساس و از منظر این پژوهش نیز، انسان و نقش او در تحقق دموکراسی، به عنوان یک اصل اساسی شناخته شده و بر آن تاکید می‌گردد. لذا با توجه به مطالب ارائه شده در این بخش از پژوهش، دموکراسی از منظر فلسفی را این‌گونه می‌توان تعریف نمود:

دموکراسی، روندی تفکری و مبتنی بر تغییر و تحول است که همواره و در هر شرایطی، سه اصل اصالت فردی، آزادی اندیشه و ایجاد برابری در ارائه فرصت‌های موجود را به عنوان پایه‌های ثابت و تغییرناپذیر این اندیشه، دنبال می‌کند و با وجود عدم اعتقاد به ایجاد قیود در زندگی انسان، قید دیگرخواهی و عدم تعرض به حقوق دیگری را برای تحقق دموکراسی، لازم و ضروری می‌داند.

۴-۱- ویژگی‌های عمومی دموکراسی (آزادی‌مداری)

از نگاهی عام، مطالعات در حوزه دموکراسی بر پایه دو مفهوم آرمانی «برابری» در تمامی موقعیت‌ها و «حق انتخاب تام» در تمامی عرصه‌ها دنبال می‌شود. این به معنای آرمانی ماندن مفاهیم دموکراسی در عمل نیست، بلکه این نگاه آرمانی در حوزه‌های مختلف جوامع بشری تعدیل یافته و در موقعیت‌های گوناگون به آنچه "حداکثر ممکن" قلمداد می‌شود، بسنده شده است. اما نگاه آرمانی به موضوع، هم‌چون هدفی ارزشمند و محرک همواره مد نظر است.

به عنوان نتیجه‌گیری نهایی از این بحث؛ بر اساس مطالعات صورت گرفته در حوزه دموکراسی از سه منظر "انسان‌شناسانه"، "جامعه‌شناسانه"، "سیاسی" و "فلسفی"، ویژگی‌های عمومی دموکراسی را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی نمود:

- به رسمیت شناختن اکثر عقاید (۱)*
- به رسمیت شناختن آزادی فردی (۲)
- به رسمیت شناختن حق انتخاب فردی و همگانی (۳)
- ایجاد فرصت‌های برابر (۴)
- ایجاد زمینه مشارکت (۵)

- ایجاد زمینه گفت‌وگو (۶)
- حفظ هویت و ارزش‌های فردی و همگانی (۷)
- حفظ حقوق فردی (۸)
- حفظ حقوق جمعی (همگانی) (۹)
- ایجاد زمینه رفاه و آسایش فردی و همگانی (۱۰)
- عدم تمرکز قدرت (۱۱)
- قانون‌مندی و نظم (۱۲)

برای وارد نمودن این ویژگی‌ها به عرصه طراحی شهری و حوزه طراحی فضاهای همگانی شهر باید به این واقعیت توجه شود که مفاهیمی چون به رسمیت شناخته‌شدن اکثر عقاید، ایجاد فرصت‌های برابر و قانون‌مندی و نظم، عملاً چگونه بر بار محیط فضای همگانی شهر می‌نشیند؟ در این راستا، برای گریز از تلقی‌های غیرطراحانه در فرآیند طراحی، آزادی‌مدار بودن به‌جای مفهوم دموکراسی برگرفته شده است. آزادی‌مداری که در این‌جا به جای دموکراتیک به کار آمده است، برای فضاهای شهری به واقعیت‌هایی در محیط ارجاع می‌دهد که ویژگی‌های مذکور فوق‌الذکر (۱۲گانه) در آن تبلور یافته باشند. هنجارهای کیفیت محیطی مطرح در طراحی شهری، واسطه‌های^۷ تبدیل تبلور این ویژگی‌ها هستند.

۲. مفاهیم و هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری

طراحی شهری حوزه‌ای است پیچیده و میان‌رشته‌ای^۸ که افزون بر معماری و برنامه‌ریزی شهری با شاخه‌های دیگر علمی و هنری مانند: «منظرسازی، مهندسی عمران، مهندسی حمل و نقل، روان‌شناسی و حقوق» نیز سروکار دارد (توسلی و بنیادی، ۱۳۸۶: ۸۲). اما این همپوشانی ابهام‌آمیز عرصه‌های تخصصی گوناگون، سبب گردیده است که درک درست و مشخصی از این رشته امکان‌پذیر نباشد. صاحب‌نظران مختلف با رویکردهای مختلف به طراحی شهری و در همان راستا به درک مفهوم کیفیت محیطی و هنجارهای آن پرداخته‌اند.

طراحی شهری را می‌توان هم به عنوان یک محصول و هم به عنوان یک فرایند در نظر گرفت. طراحی شهری فرایندی است که محصول آن در وهله اول گروهی از ایده‌ها، سیاست‌ها و تجسم‌های بصری است. هنگامی که این تفکرات به اجرا در می‌آیند، بخش جدید یا تغییر یافته‌ای از فضای شهری را شکل می‌دهند. بنابراین طراحی شهری فرایندی است که به محصولش که همان محیط مصنوع است علاقه دارد. به عبارت دقیق‌تر طراحی شهری فرایندی است که با شکل دادن فضای شهری سروکار دارد و به این ترتیب هم به فرآیند این شکل دادن علاقه‌مند است و هم به فضاهایی که به شکل دادن آن‌ها کمک می‌کند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵۵).

زمینه تخصصی طراحی شهری، طراحی حوزه‌های خاص نظیر: شهرهای جدید، حومه‌های جدید شهری، حوزه‌های جدید شهرها و حومه‌ها، بازسازی و نوسازی شهری و میادین و خیابان‌های شهری است. این فهرست به نظر بی‌پایان می‌رسد. به هر حال می‌توان گفت که زمینه تخصصی طراحی شهری یک موضوع و آن: طراحی عرصه عمومی و شهری در مقیاس شهر و اجزای آن است (لنگ، ۱۳۸۵: ۱۴).

* جهت استفاده از ویژگی‌های عمومی دموکراسی در (ماتریس تطبیقی هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط و ویژگی‌های عمومی دموکراسی)، برای هریک از ویژگی‌ها از کدهای تکریمی مناظر استفاده گردیده است.

این رویکردها و بسیاری رویکردهای دیگر که هرکدام از ظن خود مبحثی از طراحی شهری را توضیح می‌دهند زمانی در این گفتار کارساز می‌شوند که درکی مشمول از جوهر مفهومی طراحی شهری ارائه دهند. در این درک طراحی شهری حرفه، دانشی است که به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی عرصه‌های همگانی (شهری) می‌پردازد. پرداختن به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی در فرآیندی به انجام می‌رسد که مفاهیمی چون نمایانگرها و هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی معنی‌دار می‌شوند. این هنجارها بر ویژگی‌ها یا حال و هوایی دلالت می‌کنند که معیار، مبین و شاخص پاسخ‌دهندگی محیط هستند. برای مثال: سرزندگی یک هنجار است. اگر هنجار سرزندگی بر بار محیطی یک فضای همگانی شهری ترتیب یافته باشد، چنین فضایی با معیار (شاخص) سرزندگی پاسخ‌دهنده تلقی می‌گردد. سرزندگی خود یک کیفیت است. این کیفیت در واقعیت‌هایی چون روابط اجتماعی مردم در فضا و یا چگونگی اعمال حق انتخاب همگان و گفتمان جمعی در فضا نمایانگر می‌شود. بنابراین اجتماع را می‌توان یکی از نمایانگرهای هنجار سرزندگی در طراحی شهری دانست. این گونه هنجارهای طراحی می‌توانند به مثابه واسطه‌ها کیفیت چگونگی مدارا کردن مردم با فضاهای شهری، چگونگی مدارا کردن فضای شهری با مردم و همین‌طور چگونگی مدارا کردن برنامه‌سازان و طرح‌ریزان با مردم در فضاهای همگانی شهری را بیان کنند. بنابراین آنچه به عنوان اصل در حوزه طراحی عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری مطرح است، "هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط" نامیده می‌شود. هنجارهایی که از نگاه‌های متفاوت، دسته‌بندی‌های مختلف و گوناگونی از آن‌ها ارائه شده است. در ادامه، دیدگاه‌ها و دسته‌بندی‌های مطرح در زمینه هنجارهای مذکور به لحاظ نظری و عملی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲- هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط از دیدگاه صاحب‌نظران طراحی شهری

هنجارهای کیفی محیط - به لحاظ اهمیت، از جمله برجسته‌ترین و پرشمارترین مباحث طراحی شهری می‌باشند. مهم‌ترین اندیشمندانی که در این خصوص اظهار نظر نموده‌اند به ترتیب زمان انتشار آثارشان عبارتند از: «جین جیکوبز» (۱۹۶۱) در کتاب کلاسیک خود تحت عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» (جیکوبز، ۱۳۸۶)؛ «کوین لینچ» (۱۹۸۱) در کتاب «تئوری شکل خوب شهر» (لینچ، ۱۳۷۶)؛ «ویولیچ» (۱۹۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «قرائت شهری و طراحی مکان‌های شهری کوچک» (گلکار، ۱۳۸۰)؛ «ای ین بنتلی و همکاران» در قالب «گروه مطالعاتی مرکز مشترک طراحی شهری پلی تکنیک آکسفورد» (۱۹۸۵) با انتشار کتاب «محیط‌های پاسخ‌ده» (بنتلی و دیگران، ۱۳۸۵)؛ «راجر ترانسیک» (۱۹۸۶) با انتشار کتاب «یافتن فضای گمشده» (گلکار، ۱۳۸۰)؛ «کولمن» (۱۹۸۷) در مقاله «فرصت‌هایی برای نوآوری در آموزش طراحی شهری» (همان)؛ «آلن جیکوبز و داندل اپلیارد» (۱۹۸۷) در مقاله «به سوی یک بیانیه (مانیفست) طراحی شهری» (همان)؛ «فرانسیس تیبالدز» (۱۹۹۲) در کتاب «شهرسازی شهروند‌گرا» (تیبالدز، ۱۳۸۳)؛ «هاتن وهانتر» (۱۹۹۴) در کتابی تحت عنوان «شهر پایدار» (گلکار، ۱۳۸۰)؛ «جهان‌شاه پاکزاد» (۱۳۸۵) در کتاب «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری» (پاکزاد، ۱۳۸۶). در جدول (۱)، هنجارهای کیفی مورد نظر اندشمندان مذکور به تفکیک ارائه گردیده است.

جدول ۱: هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی از دیدگاه صاحب‌نظران طراحی

صاحب‌نظر	هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی
جیکوبز**	لحاظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط (الف - ۱)*؛ استفاده از کاربری‌های مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر وجود ابنیه با سن‌های مختلف در یک ناحیه (الف - ۲)؛ توجه به عنصر خیابان (الف - ۳)؛ نفوذ پذیر بودن بافت که به مفهوم پیشنهاد استفاده از بلوک‌های کوچک‌تر شهری است (الف - ۴)؛ اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها (الف - ۵).
لینچ	سرزندگی (ب - ۱)؛ معنی (حس) (ب - ۲)؛ سازگاری (ب - ۳)؛ دسترسی (ب - ۴)؛ کنترل و نظارت (ب - ۵)؛ فوق معیار کارایی (ب - ۶)؛ فوق معیار عدالت (ب - ۷).
ویولیچ	قرائت‌پذیری محیط (پ - ۱)؛ آزادی انتخاب (پ - ۲)؛ ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرم‌های شهری متباین (پ - ۳)؛ امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی (پ - ۴)؛ به گوش رسیدن آوای گذشته به مفهوم قابل قرائت بودن میراث‌های فرهنگی (پ - ۵)؛ لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه‌ای در قالب طرح‌ها (پ - ۶).
بنتلی و همکاران	نفوذپذیری (ت - ۱)؛ گوناگونی (ت - ۲)؛ خوانایی (ت - ۳)؛ انعطاف‌پذیری (ت - ۴)؛ تناسب بصری (ت - ۵)؛ غنای حسی (ت - ۶)؛ رنگ تعلق (ت - ۷)؛ کارایی از نظر مصرف انرژی (ت - ۸)؛ پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی‌های هوا و ...) (ت - ۹)؛ حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوسیستم‌ها) (ت - ۱۰).
ترانسیک	حفظ تسلسل حرکت‌ها (ایجاد ارتباط) (ث - ۱)؛ محصوریت فضاها (ث - ۲)؛ پیوستگی لبه‌ها (ث - ۳)؛ کنترل محورها و پرسپکتیوها (ث - ۴)؛ ممزوج نمودن فضاهای درون و بیرون (ث - ۵).
کولمن	حفاظت تاریخی و مرمت شهری (ع - ۱)؛ طراحی برای پیاده‌ها (ع - ۲)؛ سرزندگی و تنوع استفاده (ع - ۳)؛ بستر و محیط فرهنگی (ع - ۴)؛ بستر و محیط طبیعی (ع - ۵)؛ توجه به ارزش‌های معمارانه محیط (ع - ۶).
جیکوبز** و ایلبارد	سرزندگی (ع - ۱)؛ هویت و کنترل (ع - ۲)؛ دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی (ع - ۳)؛ اصالت و معنا (ع - ۴)؛ زندگی اجتماعی و همگانی (ع - ۵)؛ خود اتکایی شهری (ع - ۶)؛ محیطی برای همه (ع - ۷).
تیبالدز	اهمیت مکان‌ها نسبت به ساختمان‌ها (ع - ۱)؛ استفاده از تجارب شهرسازی سنتی در ساخت و سازهای جدید (ع - ۲)؛ ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری (کاربری‌های مختلط) (ع - ۳)؛ توجه به مقیاس انسانی در طرح‌ها (ع - ۴)؛ تامین آزادی عابران پیاده (ع - ۵)؛ قابلیت دسترسی و انتخاب برای همگان (ع - ۶)؛ ایجاد وضوح و خوانایی محیط (ع - ۷)؛ توجه به ماندگاری و پایداری محیطی (ع - ۸)؛ توجه به رشد تدریجی و پویای محیط (ع - ۹)؛ ادغام مضامین نه‌گانه و دستیابی به ترکیب‌های موثرتر محیطی (ع - ۱۰).
هاتن و هانتز	تنوع (ف - ۱)؛ تمرکز (ف - ۲)؛ دموکراسی (مردم سالاری) (ف - ۳)؛ نفوذپذیری (ف - ۴)؛ امنیت (ف - ۵)؛ مقیاس مناسب (ف - ۶)؛ طراحی ارگانیک (ف - ۷)؛ اقتصاد و ابزارهای مناسب آن (ف - ۸)؛ روابط خلاقانه (ف - ۹)؛ انعطاف پذیری (ف - ۱۰)؛ مشورت و مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها (ف - ۱۱).
پاکزاد	زیبایی (د - ۱)؛ وحدت (د - ۲)؛ هویت (د - ۳)؛ هماهنگی (د - ۴)؛ نظم (د - ۵)؛ ماندگاری (د - ۶)؛ پایداری (د - ۷)؛ تغییرپذیری (د - ۸).

* جهت استفاده از هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط در (ماتریس تطبیقی هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط و ویژگی‌های عمومی دموکراسی)، برای هر یک از هنجارها از کدهای دو حرفی متناظر استفاده گردیده است.

** جین جیکوبز

*** آلن جیکوبز

۲-۲- مطالعات موردی بیان نقش هنجارهای کیفی در پاسخ‌دهندگی محیطی^{۱۰}

پژوهشگران و صاحب‌بنظران مختلفی از باب تاثیر مطالعات طراحی مدار و برخورداری از دل‌مشغولی‌های طراحی‌شهری و توجه به هنجارهای طراحی‌شهری بر کیفیت‌های محیطی شهرها و فضاهای شهری، به موضوع هنجارهای کیفی محیط پرداخته‌اند (e.g. Behzadfar, 1997 & Walter, 2007).

در این گفتار به دو مورد پژوهشی که به جایگاه طراحی‌شهری و هنجارهای کیفیت محیطی در یک طیف زمانی سی‌ساله می‌پردازد، اشاره می‌گردد. (ساوت ورت)^{۱۱} در پژوهشی که در آغاز دهه ۱۹۷۰ انجام داده است به عناصر و الزامات توجه به عوامل کیفیت‌های محیطی در لفافه الزام توجه به مبانی طراحی‌شهری و استفاده از مبانی نظری طراحی شهری در پروژه‌های اجرایی و عملی می‌پردازد. او در ادامه، همراه با بن جوزف،^{۱۲} مطالعات اسناد طراحی شهری (South Worth, 1973:231-253) تا اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی را بررسی نموده و مفاهیم هنجاری مورد توجه و الزامی در مطالعات را طبقه‌بندی نموده است

(e.g. Behzadfar, 1997; South Worth, 1989: 369-420; and South Worth & Ben-Joseph, 1995: 65-81) ساوت ورت و همکاران ایشان به مطالعات موردی در ایالات متحده آمریکا پرداخته‌اند (پانتر، کرمونا و پلاتز)^{۱۳} ضمن توجه به مورد پژوهشی آمریکا و اروپا به طور خاص اسناد طراحی‌شهری در انگلستان را مورد توجه قرار داده‌اند (e.g. Carmona et.al, 2003; ۱۳۸۰، گلکار، & Punter et.al, 1996).

جدول شماره ۲، غالب عناوین هنجارهای به کار آمده در این دو پژوهش را نشان می‌دهد. باید یادآوری نمود که پانتر و کرمونا بیشتر به مولفه‌های کیفیت محیطی توجه کرده‌اند که ترکیبی از نمایانگر و هنجار است. برای مثال وقتی که به کیفیت منظر شهری اشاره می‌گردد، به مولفه‌ای اشاره می‌شود که منظر نمایانگر است و مفهومی چون تناسبات بصری (که در این جدول نیامده‌است) هنجار است.

جدول ۲: هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی از دیدگاه عملی

عنوان پژوهش	هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط
پژوهش در خصوص برنامه‌های توسعه شهری در انگلستان توسط «پانتر و همکاران»	کیفیت پایداری زیست محیطی (ذ-۱)؛ کیفیت منظر شهری (ذ-۲)؛ کیفیت دیدها (ذ-۳)؛ کیفیت فرم شهر (ذ-۴)؛ کیفیت فرم ساختمان‌ها (ذ-۵)؛ کیفیت عرصه همگانی (ذ-۶).
مروری بر هفتاد مورد برنامه طراحی شهری مرتبط با چهل شهر در ایالات متحده توسط «ساوت ورت»	ساختار و خوانندگی (ر-۱)؛ فرم (ر-۲)؛ آسایش و راحتی (ر-۳)؛ دسترسی (ر-۴)؛ بهداشت و ایمنی (ر-۵)؛ حفاظت تاریخ (ر-۶)؛ سرزندگی (ر-۷)؛ حفاظت محیط طبیعی (ر-۸)؛ تنوع (ر-۹)؛ سازگاری (ر-۱۰)؛ گشودگی (ر-۱۱)؛ مراودات اجتماعی (ر-۱۲)؛ برابری و مساوات (ر-۱۳)؛ نگهداری (ر-۱۴)؛ انطباق‌پذیری (ر-۱۵)؛ معنی (ر-۱۶)؛ نظارت و اختیار (ر-۱۷).

۳. مفاهیم و هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری آزادی مدار

نقش اصلی فضای شهری در فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر جای دارد. فضای شهری، با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (فضای ساخته شده از جنبه کالبدی) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر) حیات مدنی را به کالبد شهر انتقال خواهد نمود (حیبی، ۱۳۷۹: ۳۱).

برقراری حیات مدنی در شهر (فضای شهری) وابسته به تجلی ویژگی‌های متناظر با آن در جسم فضاهای شهری می‌باشد. لذا از این منظر، کیفیت فضاهای جمعی در یک جامعه از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. مردم نیاز به فضاهایی دارند که در آن راه بروند، بدونند، دوچرخه‌سواری کنند، تنها و یا همراه خانواده به بازی و سرگرمی بپردازند، اوقات تفریحی و پیک‌نیک داشته باشند و یا در جایی بنشینند، مطالعه کنند و استراحت نمایند (Parkinson, 2006: 12).

بنابراین، آنچه به عنوان فضای شهری آزادی‌مدار در این مقاله مد نظر است، فضائیسست که حایز مجموعه‌ای از کیفیت‌های محیطی مردم‌مدارانه باشد. فضایی که بستری مناسب برای برقراری حیات اجتماعی در جامعه شهری را فراهم می‌نماید.

به عبارتی، رسالت طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار حمایت از حقوق استفاده‌کنندگان و ایجاد دسترسی، آزادی عمل و مالکیت موقت برای همه گروه‌ها است (قربانیان، ۱۳۸۷: ۳۲). بر این اساس، مفهوم فضای شهری آزادی‌مدار، مفهومی معطوف به "طراحی برای همگان" است. به بیان دیگر فضای شهری آزادی‌مدار، تجلی کالبدی ویژگی‌های عمومی آزادی در فضاهای شهری است. بدین ترتیب فضای شهری آزادی‌مدار را می‌توان این‌گونه تعریف نمود:

"فضای شهری آزادی‌مدار فضایی است که امکان استفاده، حرکت آزادانه و دسترسی به فضا را برای همگان فراهم نماید؛ آسایش محیطی و تخصیص عادلانه امکانات شهری را برای ایشان تامین نماید؛ شهروندان را به مشارکت در خلق و استفاده متعامل از فضا ترغیب کند و برقراری عدالت را در قالب نظمی خاص، با مدیریتی قوام یافته کنترل و فرابینی نماید."

در ادامه و در راستای دستیابی به هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار، در قالب ماتریسی تطبیقی، هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط بر اساس ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری (آزادی‌مداری) مورد سنجش و دسته‌بندی قرار می‌گیرند (جدول ۳). این ماتریس هنجارهایی که با ویژگی خاصی از مردم‌مداری و آزادی قرابت معنایی دارند را مشخص کرده و در گروه آن ویژگی قرار می‌دهد. همچنین، هنجارهایی که با ویژگی‌های مذکور بی‌ارتباط هستند را در ستون آخر مشخص می‌نماید. بر اساس این ماتریس می‌توان در جدول دیگری مشترکات موجود در هر دسته از هنجارهای کیفی مذکور را یافت و هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار را استنتاج کرد (جدول ۴).

جدول ۳: ماتریس تطبیقی هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی و ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری (آزادی‌مداری)*

صاحب نظر	کد متناظر با هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی	کدهای متناظر با ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری											هنجارهای بی‌ارتباط با موضوع مردم‌مداری				
		۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲		۱			
چیکوبز	الف - ۱																
	الف - ۲																
	الف - ۳																
	الف - ۴																
	الف - ۵																
لینچ	ب - ۱																
	ب - ۲																
	ب - ۳																
	ب - ۴																
	ب - ۵																
	ب - ۶																
	ب - ۷																
ویویچ	پ - ۱																
	پ - ۲																
	پ - ۳																
	پ - ۴																
	پ - ۵																
	پ - ۶																
بننی و همکاران	ت - ۱																
	ت - ۲																
	ت - ۳																
	ت - ۴																
	ت - ۵																
	ت - ۶																
	ت - ۷																
	ت - ۸																
	ت - ۹																
	ت - ۱۰																
ترانسیک	ث - ۱																
	ث - ۲																
	ث - ۳																
	ث - ۴																
	ث - ۵																
کولمن	ج - ۱																
	ج - ۲																
	ج - ۳																
	ج - ۴																
	ج - ۵																
	ج - ۶																

ادامه جدول ۳: ماتریس تطبیقی هنجارهای کیفی پاسخ دهنده‌گی محیطی و ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری (آزادی‌مداری)

هنجارهای بی‌ارتباط با موضوع مردم‌مداری	کدهای متناظر با ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری												کد متناظر با هنجارهای کیفی پاسخ‌دهنده‌گی محیطی	صاحب نظر	
	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱			
			■											۱-چ	چیکوز و ایلپارد
	■					■								۲-چ	
									■					۳-چ	
						■								۴-چ	
							■	■						۵-چ	
			■											۶-چ	
												■		۷-چ	
■														۱-ح	تیباندز
						■								۲-ح	
													■	۳-ح	
					■									۴-ح	
													■	۵-ح	
									■	■				۶-ح	
										■				۷-ح	
			■											۸-ح	
■														۹-ح	
■														۱۰-ح	
														۱-خ	هاتن و هاتنر
■														۲-خ	
	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	■	۳-خ	
									■					۴-خ	
			■											۵-خ	
					■									۶-خ	
■														۷-خ	
			■											۸-خ	
							■							۹-خ	
												■		۱۰-خ	
									■					۱۱-خ	
							■							۱-د	پاکزاد
							■							۲-د	
							■							۳-د	
							■							۴-د	
	■													۵-د	
■														۶-د	
			■											۷-د	
												■		۸-د	

ادامه جدول ۳: ماتریس تطبیقی هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی و ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری (آزادی‌مداری)

هنجارهای بی‌ارتباط با موضوع مردم‌مداری	کدهای متناظر با ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری												کد متناظر با هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی	سابقه نظر	
	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱			
														۱-ذ	پانتر و همکاران
														۲-ذ	
														۳-ذ	
														۴-ذ	
														۵-ذ	
														۶-ذ	
														۱-ر	ساوت ورت
														۲-ر	
														۳-ر	
														۴-ر	
														۵-ر	
														۶-ر	
														۷-ر	
														۸-ر	
														۹-ر	
														۱۰-ر	
														۱۱-ر	
														۱۲-ر	
														۱۳-ر	
														۱۴-ر	
														۱۵-ر	
														۱۶-ر	
														۱۷-ر	

*مردم‌مدار (آزادی‌مدار) معادل دموکراتیک و آزادی‌مداری (مردم‌مداری) معادل دموکراسی استفاده شده است. به نظر این پژوهشگران، هرکدام از معادل‌های فارسی که به نظر خوانندگان؛ با تاکید بر برداشت‌های فردی، جا افتاده به نظر برسد می‌تواند برای ارجاع دهی به این پژوهش و پژوهش‌های متعاقب بیشتر مورد استفاده قرار گیرند.

جدول ۴: استنتاج هنجارهای طراحی فضاهای شهری مردم مدار (آزادی مدار) برپایه مشترکات موجود در هنجارهای کیفی پاسخ دهنده‌گی محیطی

ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری	هنجارهای کیفی پاسخ‌دهنده‌گی محیطی	هنجارهای کیفی فضاهای شهری مردم‌مدار
به رسمیت شناختن اکثر عقاید	استفاده از کاربری‌های مختلط - سازگاری - گوناگونی - تنوع استفاده - محیطی برای همه - تنوع - انطباق پذیری	- امکان استفاده از فضا برای همگان
به رسمیت شناختن آزادی فردی	آزادی انتخاب - تامین آزادی عابران پیاده	- آزادی حرکت در فضا
به رسمیت شناختن حق انتخاب فردی و همگانی	قرائت‌پذیری محیط - آزادی انتخاب - انعطاف‌پذیری - قابلیت انتخاب برای همگان - ایجاد وضوح و خوانایی محیط - تغییرپذیری - ساختار و خوانایی	- ارائه گزینه‌های فضایی متعدد به استفاده‌کنندگان
ایجاد فرصت‌های برابر	نفوذپذیر بودن - دسترسی - دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی - برابری و مساوات	- قابلیت دسترسی برای همگان
ایجاد زمینه مشارکت	اختلاط اجتماعی - ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرم‌های شهری متباین - رنگ تعلق - زندگی اجتماعی و همگانی - مشورت و مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها - کیفیت عرصه همگانی	- مشارکت در خلق و استفاده از فضا
ایجاد زمینه گفت‌وگو	اختلاط اجتماعی - زندگی اجتماعی و همگانی - وجود فضاهای همگانی و فضاهای خاص - روابط خلاقانه - کیفیت عرصه همگانی - مرادفات اجتماعی	- قابلیت گفت‌وگو و تعامل چهره به چهره در فضا
حفظ هویت و ارزش‌های فردی و همگانی	معنی (حس) - به گوش رسیدن آوای گذشته به مفهوم قابل قرائت بودن میراث‌های فرهنگی - غنای حسی - رنگ تعلق - حفاظت تاریخی و مرمت شهری - بستر و محیط فرهنگی - توجه به ارزش‌های معمارانه محیط - اصالت و معنا - استفاده از تجارب شهرسازی سنتی در ساخت و سازهای جدید - زیبایی - وحدت - هماهنگی - حفاظت تاریخ - نگهداری	- قابلیت معناگرایی محیطی
حفظ حقوق فردی	طراحی برای پیاده‌ها (پیاده‌مداری) - توجه به مقیاس انسانی در طرح‌ها (مقیاس انسانی) - مقیاس مناسب	- مقیاس متناسب - مقیاس انسانی
حفظ حقوق جمعی (همگانی)	امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی	- تعریف‌شدگی قلمروهای جمعی و فردی
ایجاد زمینه رفاه و آسایش فردی و همگانی	سرزندگی - کارایی از نظر مصرف انرژی - پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی هوا) - حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوسیستم‌ها) - بستر و محیط طبیعی - خود انکابی شهری - توجه به ماندگاری و پایداری محیطی - امنیت - اقتصاد و ابزارهای مناسب آن - پایداری - کیفیت زیست‌محیطی - آسایش و راحتی - بهداشت و ایمنی - حفاظت محیط طبیعی	- رفاه و آسایش محیطی
عدم تمرکز قدرت	عدالت - برابری و مساوات - نظارت	- پراکندگی متناسب امکانات و تسهیلات در سطح شهر
قانون‌مندی و نظم	کنترل و نظارت - کنترل - نظم - نظارت و اختیار	- مدیریت شهری کارآمد

۳-۱-۳- هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری دموکراتیک

در جدول (۴) هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری مردم‌مدار از مشترکات هنجارهای کیفی دسته‌بندی شده بر پایه ویژگی‌های عمومی مردم‌مداری حاصل گردیده است. در این‌جا، هریک از هنجارهای مذکور به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱-۳-۱- امکان استفاده از فضا برای همگان

فضایی می‌تواند امکان استفاده همگان را فراهم کند که از یک‌سو گزینه‌های متنوعی را برای فعالیت استفاده‌کنندگان عرضه کند و از سوی دیگر قابلیت انطباق با نیاز گروه‌های مختلف استفاده‌کننده را داشته باشد. افرادی که از یک فضای شهری استفاده می‌کنند، از طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی هستند که دارای سلیقه، عواطف و نیازهای گوناگونی هستند. برای مثال: زنان، سالمندان، کودکان و معلولین که قشر آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌گردند، نیازمند تسهیلاتی در فضاهای شهری هستند که لحاظ نمودن آن در طراحی‌ها به قابلیت استفاده همگانی از فضای شهری خواهد افزود. این هنجار در قالب سه زیرهنجار «گوناگونی و اختلاط کاربری»، «سازگاری با نحوه استفاده» و «انطباق با وضعیت استفاده‌کننده» قابل طرح می‌باشد.

۳-۱-۳-۲- آزادی حرکت در فضا

به گفته «سر کولین بوکانان» شرایطی که فرد بتواند با آزادی کامل در یک محیط شهری گام بردارد و به اطراف بنگرد، مهم‌ترین نشانه کیفیت تمدن آن محیط به شمار می‌رود (تیبالدز، ۱۳۸۳: ۷۵). بر این اساس به دلیل اهمیت موضوع و تاثیرگذاری در خلق فضاهای شهری دموکراتیک، آزادی حرکت در فضای شهری به عنوان یکی از هنجارهای طراحی این گونه فضاها مطرح می‌باشد؛ و جزئیات آن در قالب دو زیرهنجار «آزادی و راحتی حرکت عابران پیاده» و «حرکت صحیح خودرو در فضای شهری» قابل بررسی است.

۳-۱-۳-۳- ارائه گزینه‌های فضایی متعدد به استفاده‌کنندگان

ارائه گزینه‌های متعدد بدین معنی است که فضا دارای قابلیت باشد که تنها کاربری‌های خاص خود را در معرض استفاده قرار ندهد. بلکه با امکان تغییر و تنوع در کارکردش، حق انتخاب افراد را به رسمیت بشناسد. ضمن این‌که برای انتخاب گزینه‌های متعدد یک فضا، ارائه آن به تنهایی کافی نیست؛ بهره‌مندی از وضوح و خوانایی لازم، منجر به نمایاندن گزینه‌های محتمل به استفاده‌کنندگان می‌گردد. بر این اساس در این هنجار، دو زیرهنجار «قابلیت تغییر و انعطاف» و «خوانایی و وضوح» مطرح هستند.

۳-۱-۳-۴- قابلیت دسترسی برای همگان

به یک تعبیر می‌توان گفت، فقط فضاهایی می‌توانند به مردم قدرت انتخاب بدهند که برایشان قابل دسترسی باشند. بنابراین حدی از قدرت انتخاب که یک محیط به مردم می‌دهد تا بدان طریق از مکانی به مکانی دیگر بروند، یک معرف کلیدی جهت ارزیابی پاسخ‌دهندگی آن محیط تلقی می‌گردد (بنتلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵). این معرف «نفوذپذیری» نامیده می‌شود که به عنوان زیرهنجار دستیابی به هنجار «قابلیت دسترسی برای همگان» قابل طرح است.

۳-۱-۳-۵- مشارکت در خلق و استفاده از فضا

مشارکت شهروندی در جامعه مدرن و تحقق شهروندی در عمل، پیامدهای مناسب و دوجانبه‌ای هم برای شهروندان و هم برای حکومت‌های محلی و دولت‌های شهری دارد؛ از جمله بسط توانایی‌های افراد، تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیران شهری، تقویت هویت شهری و احساس تعلق بیشتر به جامعه شهری از طریق مشارکت شهروندان برای حل مشکلات شهرمی‌باشد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۴). این مشارکت در دو سطح «ایجاد» و «نگهداری» فضا مطرح است. مشارکت در ایجاد فضا، محیط را با خواست استفاده‌کنندگان هم‌سو کرده و مشارکت در نگهداری، حس تعلق و مراقبت از محیط را در وجود ایشان تقویت می‌نماید. بر این اساس فضاهایی خلق می‌شوند که افراد در آسایش و راحتی زندگی می‌کنند و به طول عمر و ماندگاری فضا افزوده خواهد شد. در این خصوص دو زیر هنجار اساسی «اعتماد ساکنین به دست‌اندرکاران طرح» و «حضور ساکنین در فرایند طراحی» مطرح می‌باشد.

۳-۱-۶- قابلیت ارتباط دوسویه افراد در فضا

فرصت ملاقات و فعالیت‌های روزانه در فضاهای عمومی یک شهر یا یک حوزه مسکونی، به افراد قابلیت بودن در میان دیگران برای دیدن، شنیدن و تجربه نمودن چگونگی عملکرد مردم در موقعیت‌های متفاوت را می‌بخشد. مفاهیم ساده ارتباطات دیداری و شنیداری می‌تواند در رابطه با دیگر اشکال ارتباط و به عنوان بخشی از گستره فعالیت‌های اجتماعی، از فعالیت‌های بسیار ساده و غیر مشخص تا ارتباطات پیچیده و درگیری‌های احساسی، مطرح گردد (گیل، ۱۳۸۷: ۹). بر این اساس می‌توان هنجار مذکور را در قالب چهار زیرهنجار «قابلیت پرسه‌زنی»، «قابلیت مکث و درنگ»، «قابلیت دیدن و شنیدن» و «قابلیت گپ‌زدن» در فضاهای شهری مورد بررسی قرار داد.

۳-۱-۷- قابلیت معناگرایی محیطی

موضوع اصلی این هنجار «هویت» است. در واقع مباحث معناشناختی مفاهیمی چون «تشخیص و تمایز کالبد فضاهای شهری» و «خاطرات فردی و جمعی» را پوشش می‌دهد. بر این اساس «هویت‌مندی» و «خاطره‌انگیزی» به عنوان زیرهنجارهای وابسته به این هنجار مدنظر می‌باشند. البته با اشاره به این موضوع که قرابت معنایی و آمیختگی موضوعی مطرح در این زیرهنجارها انکارناپذیر است.

۳-۱-۸- مقیاس متناسب و انسانی

محیط‌های شهری تنها برای اتومبیل‌ها، کامیون‌ها و کارکردهای بزرگ غیر انسانی نیست برای انسان‌ها هم می‌باشد با این حال، این الزام کارکردی هنگام قدم‌زدن در اغلب شهرها و محیط‌های شهری، مشهود نیست. بر این اساس، محیط انسانی آرامش‌بخش، محیطی است مرتبط با مقیاس انسان پیاده، نه خودروهای شتاب‌زده و سریع‌السیرمی‌باشد (تیبالدز، ۱۳۸۳: ۶۳). از این رو، تناسب مقیاس به عنوان هنجاری اصلی در موضوع طراحی فضاهای شهری مردم‌مدار مطرح است که زیرهنجارهای «محصوریت فضایی»، «مقیاس انسانی» و «تباین فضایی» را شامل می‌شود.

۳-۱-۹- تعریف‌شدگی قلمروهای جمعی و فردی

هر موجود زنده بنا بر خصلت خود مدعی قلمروی خاص شده و از آن در مقابل اعضای دیگر گونه‌ها دفاع می‌نماید. «هایدگر» عقیده دارد که اجزاء اصلی قلمرو «جنبه خصوصی و مشخص بودن آن» و نیز مساله «دفاع» است. وی بر این باور است که هر حیوان توسط یک سری حباب‌ها یا بالون‌هایی با اشکال غیر منظم احاطه شده که جهت حفظ فضایی متناسب مابین یکایک جانوران به کار گرفته می‌شود. «هایدگر» یک سری از چنین فواصلی را تشریح و تعیین کرده و آن‌ها را فاصله گریز، فاصله حساس یا بحرانی، فاصله شخصی و فاصله اجتماعی خوانده است. «دوارد تی هال» تحت تاثیر او در کتاب «بعد پنهان» (هال، ۱۳۸۷)، فواصل صمیمی، شخصی، اجتماعی و عمومی را برای انسان‌ها تعیین و تعریف می‌نماید. وی تاکید دارد که احساس افراد نسبت به یکدیگر در زمانی معین، عامل تعیین‌کننده‌ای در نحوه استفاده از فاصله است و هر فاصله باید به عنوان یک محدوده و قلمروی فضایی تعریف شود (بحرینی و تاج‌بخش، ۱۳۷۸: ۳۱). تعریف قلمروهای مذکور به عنوان یک هنجار در طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار مطرح است که با زیرهنجارهای «فضاهای تعریف شده به لحاظ حریمیت»، «سلسله‌مراتب تعریف‌شده» و «قابلیت خلوت‌گزینی» در فضای شهری قابل دستیابی است.

۳-۱-۱۰- رفاه و آسایش محیطی

این هنجار به آن‌چه موجب آسودگی خاطر استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری را فراهم می‌نماید، می‌پردازد. زیرهنجارهای «سرزندگی»، «پایداری زیست محیطی»، «آسایش اقلیمی»، «امنیت» و «ایمنی» در دستیابی به این هنجار مطرح می‌باشند.

۳-۱-۱۱- پراکندگی متناسب امکانات و تسهیلات

تاثیر این هنجار در فضاهای شهری در پاره‌ای موارد و به صورت خاص، قابل لمس است. برای مثال در خیابان‌هایی که شمال و جنوب یا شرق و غرب شهری را به همدیگر متصل می‌کنند و به عنوان یک فضای شهری از دل شهر گذر می‌کنند و تفاوت امکانات و تسهیلات شهری را در پایین و بالای آن هویدا می‌کنند. همچنین لبه‌های دریا و رودخانه نیز از این دسته‌اند. توجه به پراکندگی متناسب امکانات و خدمات شهری در طراحی این‌گونه از فضاهای شهری که به صورت راسته، محور یا لبه عمل می‌کنند، منظور نظر این هنجار است.

۱۲-۳- مدیریت شهری کارآمد

مدیریت شهری عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهرمی‌باشد. با توجه به این‌که شهرداری نظامی باز است، مدیریت شهری بیش از حیثه کالبدی، شهر را در بر می‌گیرد و در محدوده‌های زمین و مسکن شهری، خدمات اجتماعی و زیربنایی، توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی به طور یکپارچه وارد می‌شود (صفایی، ۱۳۸۳: ۳۱۹). به طور کلی، دستیابی به این هنجار، خود نیازمند برقراری هنجارهایی در فضای مدیریتی شهرهاست که مدیریت شهری را به سوی کارآمدی رهنمون می‌نماید. هنجارهایی از قبیل «دید وسیع و همه‌جانبه نگر»، «پیگیری اهداف»، «احساس مسوولیت» و «مشارکت در مدیریت»؛ که به عنوان زیرهنجار در دستیابی به مدیریت شهری کارآمد مطرح هستند.

۴. جمع‌بندی

به طور کلی می‌توان گفت: "طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار یا مردم‌مدار" به عنوان یک "رویکرد" در طراحی شهری قابل طرح است. رویکردی که مفاهیم آن از ابتدای شکل‌گیری دانش طراحی شهری همواره مورد توجه بوده است و گرایش به انسان و توجه به آزادی‌های او در طراحی شهرها و فضاهای شهری از لابلای اظهار نظرهای صاحب‌نظران این رشته قابل بررسی است. اما بیان این رویکرد در قالبی منسجم و یکپارچه، آن‌گونه که منظور نظر این گفتار است، کمتر مورد توجه بوده است.

این گفتار تلاش نمود با استفاده از مفاهیم آزادی‌مداری و یافتن ما به ازای آن در اصول طراحی شهری، مفهوم "طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار" را تبیین نماید؛ و به عنوان مهم‌ترین موضوع بر "هنجارهای کیفی طراحی فضاهای شهری آزادی‌مدار یا مردم‌مدار" تمرکز نمود. در این راستا روند دستیابی به هنجارهای مذکور به صورتی نظام‌مند تشریح گردید و اجزای آن مورد بررسی قرار گرفت.

در پایان لازم به ذکر است، آنچه در خصوص فضاهای شهری آزادی‌مدار (مردم‌مدار) و هنجارهای وابسته به آن مطرح گردید، به هیچ روی بسنده نیست؛ چرا که این نوشتار با نگاهی صرفاً کالبدی - فضایی به موضوع نگرینده است. بر این اساس راه برای پژوهش‌های آتی در حوزه دیگر وجوه این رویکرد هموار است.

منابع:

- بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) "مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن" مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶: ۳۱-۱۸.
- بنتلی، ای‌ین؛ ال‌کک، آن؛ مورین، پال؛ مک‌گلین، سو؛ اسمیت، گراهام (۱۳۸۵) "محیط‌های پاسخ‌ده" چاپ دوم، مصطفی بهزادفر، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری" چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
- پوپر، کارل (۱۳۶۴) "جامعه باز و دشمنان آن" عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
- توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۸۶) "طراحی فضای شهری - فضاهای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری" تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) "شهرسازی شهروندگرا" محمد احمدی‌نژاد، اصفهان، نشر خاک.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۶) "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) "جامعه مدنی و حیات شهری" مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷: ۳۲-۲۱.
- دورانت، ویل (۱۳۸۴) "لذات فلسفه" عباس زریاب، چاپ هفدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۲) "علوم انسانی (گستره شناخت‌ها)" مرتضی کتبی و دیگران، تهران، نشر نی.
- رضایی، علی (۱۳۷۷) "ظهور و تکامل جامعه مدنی" جامعه مدنی و ایران امروز (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۱) "دیالکتیک هویت‌ها" نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی)، تهران، شماره ۷۹.
- رورتی، ریچارد (۱۳۸۳) "فلسفه و دموکراسی (سخنرانی در خانه هنرمندان ایران)" پیام یزدانجو، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی ایران.

- صفایی، علی (۱۳۸۳) "اقتصاد شهری پویا، مدیریت شهری کارا" مجموعه مقالات همایش ملی شهرسازی ایران، جلد دوم (مدیریت شهری)، زیر نظر مهیار اردشیری، شیراز، دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۷) "بنیادهای علم سیاست" چاپ هجدهم، تهران، نشر نی.
- قربانیان، مهشید (۱۳۸۷) "خیابان‌های اصلی شهر - ارائه دستورالعمل طراحی با رویکرد فضایی برای زندگی و حیات جمعی" پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- گل، یان (۱۳۸۷) "زندگی در فضای میان ساختمان‌ها" شیما شصتی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گلکار، کورش (۱۳۸۰) "مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری" فصلنامه صفا، تهران، سال یازدهم، شماره ۳۲: ۳۸-۶۵.
- لنگ، جان (۱۳۸۵) "طراحی شهری" سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱) "تئوری شکل شهر" سید حسین بحرینی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) "طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی - مکانی" فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰) "جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت" فصلنامه مدیریت شهری، تهران، شماره ۵: ۱۵-۶.

- Behzadfar, M. (1997) "Environmentally Responsive Streets and Urban Design in Iran" Volume I, Sydney, the University of Sydney.
- Carmona, M. Heath, Of, T. and Ties dell, S. (2003) "Public Places, Urban Spaces: "The Dimensions of Urban Space & Design" Oxford, Architectural Press.
- Parkinson, J. (2006) "Holistic Democracy and Physical Public Space" British Journal of Political Science Conference, London, British Academy.
- Punter, J. Carmona, M. and Plats, A. (1996) "Design Policies in Local Plans: A Research Report" London, Department of the Environment.
- South Worth, M. and South worth, S. (1973) "Environmental Quality in Cities and Regions, A Review of Analysis and Management of Environmental (Quality in The United States)" Town Planning Review, 44(3): 231-253.
- South Worth, M. (1989) "Theory and Practice of Contemporary Urban Design, a Review of Urban Design Plan hen The United States" Town Planning Review, 60(4): 369-402.
- South Worth, M. & Ben-Joseph, E. (1995) "Street Standards and The Shaping of Suburbia" Journal of The American Planning Association, 61(1): 65-81.
- Walters, D.(2007) "Designing Community Characters, Master Plans and Form-Based Codes" Oxford, ELSEVIER and Architectural Press.

پی نوشت

(۱) این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری در دانشگاه علم و صنعت ایران، تحت عنوان "هنجارها و نمایانگرهای طراحی فضاهای شهری دموکراتیک و تهیه راهنمای طراحی شهری خیابان‌های دموکراتیک" با نگارش پیام محمودی کردستانی، راهنمایی دکتر مصطفی بهزادفر و مشاوره دکتر جهان‌شاه پاکزاد می‌باشد.

- 2) Democratic Urban Space
- 3) Conceptual
- 4) Democratic
- 5) People Friendly
- 6) Concept of Democracy
- 7) Medium
- 8) Interdisciplinary
- 9) Dimensions / Features
- 10) The Qualitative Norms of Environmental Responsiveness
- 11) South Worth
- 12) Ben Josephs
- 13) Putter, Carmona & Platt's